

انسان در دیدگاه اسلام؛ از خاک تا ملکوت

انسان دارای ماهیت و طبیعت عمومی است که بر آن طبیعت زاده شده دارای سرشت خاکی و ملکوتی، دارای تمایلات، استعدادها و کشش هایی است، اما ماهیت خاص خود را باید در سایه کوشش و اراده شخصی بسازد.



انسان دارای ماهیت و طبیعت عمومی است که بر آن طبیعت زاده شده دارای سرشت خاکی و ملکوتی، دارای تمایلات، استعدادها و کشش هایی است، اما ماهیت خاص خود را باید در سایه کوشش و اراده شخصی بسازد.

به گزارش خبرگزاری مهر، بنابر آیات قرآن، خداوند انسان را در روی زمین خلیفه قرارداده است، یعنی حاکمیت و سلطه زمین برای اوست که بر آن حکم براند و در آن تصرف کند و این نه تنها در زمین که در آسمان نیز، مواهب سماوی که قابل مهار کردن و تصرف انسانهاست در چنبر تسخیر آنان قرار داده شده است. انسان در جریان تحول مادی و دگرگونی های فیزیولوژیک به مرحله ای رسیده که با نفخه روح الهی آفرینش دیگر یافته و در مسیر عادی طبیعی خود به یک جهش الهی و ملکوتی دست یافته و موجودی برتر شده است، بدان گونه که حتی فرشتگان مامور شدند در پیشگاه او خضوع کنند و نیروهای معنوی جهان هم رام او باشد.

انسان دارای ماهیت و طبیعت عمومی است که بر آن طبیعت زاده شده دارای سرشت خاکی و ملکوتی، دارای تمایلات، استعدادها و کشش هایی است، اما ماهیت خاص خود را باید در سایه کوشش و اراده شخصی بسازد. تمایلات و استعدادها همه آمادگی و زمینه هایی است و گر نه خود اوست که باید از این استعدادها بهره گیرد و ماهیت و چگونگی خویش را بسازد.

آزادی انسان و تقدیر الهی

انسان آزاد و صاحب اختیار است اما این آزادی را خدا به او داده است و به قول بعضی از نویسندگان معاصر؛ انسان محکوم به آزادی است. هیچ مکتبی نمی گوید که این آزادی را انسان خودش به خویشتن داده است بلکه همه می گویند به او داده شده و از جای دیگر بر او تحمیل شده است. اکنون که چنین است چرا این افاضه از طرف خدا نباشد، و چرا آن را موهبت الهی ندانیم.

حوزه انتخاب و نقش هدایت

کشش های فطری و هدایت الهی و حتی شرایط محیط، در حوزه انتخاب و آزادی انسان نقش دارند، اما نه نقش جبری بلکه صرفاً نقش ایجاد تمایل و روشنگری. در هر حال این اراده آزاد انسان است که باید به این تمایلات شکل دهد و آنها را تعدیل کند، یا با تشخیص و بصیرت از هدایت ها بهره گیرد و حی الهی هدایتی است روشنگر و بصیرت افزا و رهگشا و لطفی است از طرف خدا که انسان را در تلاش خود برای یافتن راه راهنمایی می کند.

هدف داری انسان

جهان آفرینش بی هدف و بیهوده نیست انسان و زندگانی او هم نمی تواند بی هدف باشد. هدف از آفرینش انسان سیر تکاملی او در همه ابعاد وجودی است و بارور شدن و شکوفا شدن او و سرانجام سیر به سوی کمال مطلق.

انسان مسئول

این خود انسان است که مسئول ساختن خود و ساختن محیط است، اما مسئول در برابر چه کسی؟ برخی از مکتب ها در این زمینه توضیحی ندارند، چون از دید آنها و رای انسان، شعوری و مقام بازخواست کننده ای نیست. اما در اسلام هم مسئولیت هست و هم این مسئولیت در برابر قدرت عظیم حکیم و آگاهی که جدا بازخواست می کند و عکس العمل نشان می دهد؛ و لتسئلن عما کنتم تعلمون "مسلمان در برابر آن چه می کنید مسئول هستید. و اتفاقاً این چنین مسئولیتی می تواند بردی عظیم داشته باشد و کشش و انگیزه ایجاد کند.

انسان تربیت شده اسلامی دارای مراقبت و به عبارت دیگر اضطراب^۱ است، زیرا مسئول انتخاب راه است. چون مسئول سقوط و انحطاط یا نجات و فلاح خود و جامعه است. چون هر عملش می ماند و بازده دارد. چون انتخابش سرنوشت ساز است و همین اضطراب و مراقبت حساب گری و سازندگی بیشتری به همراه خواهد داشت که در انتخاب او اثر می گذارد.

انسان بی پناه نیست

در اسلام مختار بودن انسان به معنی بی پناهی و به خود وانهادگی او نیست انسان حمایت می شود مورد مهر و لطف الهی است. راهنمایی می شود اگر به راستی حرکت را آغاز کرد و تلاش نمود توفیق و امداد الهی می رسد، تنها نمی ماند خدا با اوست گویی همه چیز با اوست اگر به راستی با او پیوند برقرار کرد دریچه های روشن بینی و توان و نیرو به روی او باز می شود، دلگرم و پر شور و با نشاط می گردد.